



The Model of Social Capital in the Activism of Imam Musa Sadr

Mohammad Ellini¹
Mohsen Kamalian³

Allah Karam Karamipour²
Vahid Sohrabifar⁴

Received: 12/05/2021

Accepted: 18/07/2021

Abstract

Imam Musa Sadr is a charismatic figure whose characteristics and habits were formed in Lebanon. Sadr's activism, according to his humanistic and inclusive views, which aims to promote humanity, has been able to reveal human identity in his social and political actions. Actions that empower the relationships and bonds of all human beings and build trust at all levels. Social capital is formed on this basis and in the vertical process it reaches the super-group stage by upgrading from intra-group, inter-group and extra-group stages. The stage at which convergence between all individuals, groups and tribes in Lebanon and all human beings around the world is based on the view of the inherent dignity of human beings. It is this kind of activism that makes Imam Sadr a social reference and makes him a positive role model in Lebanon, the Islamic world and human societies to attract the hearts of human beings and resolve problems and crises and achieve understanding, interaction and world peace. The research has been conducted through a basic and explanatory method and the data collection has been carried out by a library method. Data collection tools are documents, printed books, Persian and non-Persian sources, translation works, Internet, software and archives.

Keywords

Social capital, Imam Sadr, convergence, activism, model.

1. PhD student in Religion Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author). m.ellini@yahoo.com.

2. Assistant Professor, University of Religions and Denominations, Faculty of Religions, Department of Religion studies, Qom, Iran. karamip49@gmail.com.

3. Professor at the International Institute of Seismology and Earthquake Engineering, Tehran, Iran. (Contemporary Scholar). kamalian@iiees.ac.ir

4. Assistant Professor, University of Religions and Denominations, Faculty of Philosophy, Department of Philosophy of Religion, Qom, Iran. Vsohrabifar@gmail.com.

* Ellin, M. & Karamipour, A. K. & Kamalian, M. & Sohrabifar, V. (1400 AP). The model of social capital in the activism of Imam Musa Sadr. *Journal of Islam and Social Studies*, 9(33), pp. 96-124.

DOI: 10.22081 / jiss.2021.60918.1810.

الگوی سرمایه اجتماعی در کنشگری امام موسی صدر

محمد علینی^۱ الله کرم کرمی پور^۲ محسن کمالیان^۳ وحید سهرابی فر^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷

چکیده

امام موسی صدر شخصیت کاریزماتیکی است که منش‌ها و عادت‌واره‌های وی در میدان لبنان شکل گرفت. کنشگری صدر با توجه به دیدگاه انسان‌محوری و شمول‌گرایی وی که هدفش ارتقای انسانیت است، توانسته هویت انسانی را در کنش‌های اجتماعی و سیاسی او آشکار سازد؛ کنش‌هایی که موجب تحکیم روابط و پیوند همه انسان‌ها و ایجاد اعتماد در همه سطوح می‌گردد. بر این اساس است که سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد و در فرایند عمودی با ارتقا از مراحل درون‌گروهی، بین‌گروهی و برون‌گروهی به مرحله فراگروهی می‌رسد؛ مرحله‌ای که همگرایی بین همه افراد، گروه‌ها و طوایف در لبنان و همه انسان‌ها در سراسر جهان بر اساس نگاه کرامت‌ذاتی انسان‌ها را موجب می‌گردد. این نوع کنشگری است که از امام صدر مرجع اجتماعی می‌سازد و او را به الگویی مثبت در لبنان، جهان اسلام و جوامع بشری در جهت تألیف قلوب انسان‌ها و رفع مشکلات و بحران‌ها و رسیدن به تفاهم و تعامل و صلح جهانی تبدیل می‌کند. روش پژوهش، از نوع بنیادی و به صورت تبیینی بوده و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است. ابزار گردآوری داده‌ها اسناد، کتب چاپی، منابع فارسی و غیر فارسی، آثار ترجمه، اینترنت، نرم افزار و آرشیو می‌باشد.

کلیدواژه‌ها

سرمایه اجتماعی، امام صدر، همگرایی، کنشگری، الگو.

۱. دانشجوی دکتری دین پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول). m.ellini@yahoo.com
۲. استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده ادیان، گروه دین‌شناسی، قم، ایران. karamip49@gmail.com
۳. استاد تمام پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، تهران، ایران. (صدر پژوه معاصر) kamalian@iiees.ac.ir
۴. استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده فلسفه، گروه فلسفه دین، قم، ایران. Vsohrabifar@gmail.com

* علینی، محمد؛ کرمی پور، الله کرم؛ کمالیان، محسن و سهرابی فر، وحید. (۱۴۰۰). الگوی سرمایه اجتماعی در کنشگری امام موسی صدر. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۹(۳۳)، صص ۹۶-۱۲۴.

DOI: 10.22081/jiss.2021.60918.1810

مقدمه

دغدغه امام موسی صدر مسئله انسان و انسانیت بود. وی در کنشگری‌های اجتماعی و سیاسی خود در پی آن بود تا بتواند هویت انسانی را آشکار سازد. با مراجعه به دیدگاه‌های نظری و عملکرد مبتنی بر اجتهاد وی درمی‌یابیم که در تمام کنش‌های خود در صدد آن بود تا غبار از کرامت ذاتی انسان‌ها کنار زند. بر این اساس با نگاهی به منش‌ها و عادت‌واره‌های وی که در خانواده، آموزش و پرورش و رسانه‌ها به‌ویژه در میدان لبنان شکل گرفت، موفقیت وی را در عرصه‌های گوناگون شاهد هستیم. امام صدر در وهله اول کوشید تا با هویت‌بخشی به شیعیان، انسجام و اتحاد را بین آنان برقرار سازد. در این مرحله سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شکل گرفت. هم‌زمان در صدد همگرایی بین مسلمانان برآمد تا همگی زیر لوای قرآن، آهنگ وحدت سر دهند. در این مرحله سرمایه اجتماعی بین‌گروهی تحقق پیدا کرد. براساس ایده اتحاد بین ادیان، امام صدر همگرایی بین ادیان الهی به‌ویژه مسیحیت را سرلوحه عمل خود قرار داد و تلاش خود را در این زمینه به کار گرفت. این‌گونه بود که سرمایه اجتماعی برون‌گروهی شکل گرفت. در ادامه، براساس نگاه کرامت ذاتی انسان‌ها، تلاش کرد تا همگرایی را در بین همه افراد و گروه‌ها و طوایف لبنان، بدون در نظر گرفتن ملیت یا مکتب و آیین خاص ایجاد کند. براساس دیدگاه انسان‌محوری امام موسی صدر و نگاه شمول‌گرایی وی، سرمایه اجتماعی فراگروهی ایجاد شد. فرایند عمودی سرمایه اجتماعی از درون‌گروهی تا فراگروهی به سرمایه اجتماعی مثبت منجر می‌شود که موجب تحکیم روابط و پیوند همه انسان‌ها و ایجاد اعتماد در همه سطوح خواهد گردید.

اهمیت تحقیق به جهت وجود مشکلات اساسی و بحران‌های موجود در جوامع کنونی به‌ویژه جوامع دینی و اسلامی است که نیاز به الگوی جامعی احساس می‌شود که بتوان با پیروی از چنین الگویی که خود منبع سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود، بر مسائل و مشکلات فائق آمد. با نگاه به زندگی و شخصیت امام موسی صدر درمی‌یابیم در جوامع بحران‌زده کنونی به‌ویژه کشورهای اسلامی نیاز به کنشگری فردی همچون

امام صدر است که هدفش ارتقای انسانیت و نوع بشر است. بر این اساس وی تبدیل به الگو و منبع سرمایه اجتماعی می‌شود که می‌تواند راهگشای جوامع انسانی و اسلامی باشد. هدفی که به صورت خاص از این پژوهش انتظار می‌رود آن است که الگوی سرمایه اجتماعی در ابعاد درون‌گروهی، بین‌گروهی، برون‌گروهی و فراگروهی در کنشگری امام موسی صدر تبیین گردد.

در موضوع الگوی سرمایه اجتماعی در کنشگری امام موسی صدر می‌توان به مجموعه گفتارها و مصاحبه‌ها و مقالات امام موسی صدر در مجموعه ۱۲ جلدی مسیره الامام السید موسی الصدر اشاره کرد که جنبش امل در سال ۲۰۰۰ منتشر کرده است. ترجمه فارسی این اثر با نام گام به گام با امام چاپ شده است. در واقع این مجموعه، مرجعی است که می‌توان به کمک آن به بسیاری از کنش‌های اجتماعی و سیاسی امام موسی صدر به صورت مستند دسترسی پیدا کرد. همچنین مجموعه کتاب‌های در قلمرو اندیشه امام موسی صدر، مجموعه زندگینامه، تاریخ شفاهی و مانند آن، هر کدام می‌تواند در به سرانجام رساندن پژوهش حاضر یاری برساند. در ضمن مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی در موضوع اندیشه‌ها و عمل امام موسی صدر به نگارش درآمده‌اند که وجه تمایز مقاله حاضر با دیگر موارد در تحلیل الگوی سرمایه اجتماعی در انواع چهارگانه آن در کنشگری امام موسی صدر است.

مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان کنش‌های امام موسی صدر را براساس الگوی سرمایه اجتماعی تحلیل کرد. به‌طور خاص نیز پژوهش در صدد آن است تا مشخص کند کدام نوع از کنشگری امام صدر ما را به انواع سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، بین‌گروهی، برون‌گروهی و فراگروهی می‌رساند. این پژوهش در صدد تبیین کنش‌های امام موسی صدر به‌عنوان الگوی سرمایه اجتماعی است تا بتواند کنجکاوی ذهنی محقق را پاسخگو باشد.

۱. چارچوب مفهومی

ابتدا برای تبیین عنوان مقاله که تحلیل الگوی سرمایه اجتماعی در کنشگری امام موسی

صدر براساس دستگاه نظری و چارچوب مفهومی پی‌یر بوردیو است، نظریه تلفیقی بوردیو درباره عین و ذهن و ساختار و کنشگر بیان می‌شود؛ سپس تبیین کنش که دستگاه نظری بوردیو معطوف به آن است، در قالب دو سنت عین‌گرایی و ذهن‌گرایی ذیل فلسفه رابطه‌ای که نوعی دیالکتیک بین ذهن و عین است، آورده می‌شود. محرک نظریه بوردیو علاقه‌اش به از میان برداشتن آن چیزی است که خودش آن را ضدیت کاذب میان عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی یا به تعبیر او ضدیت بیهوده میان فرد و جامعه می‌انگارد. همچنان که خود بوردیو مطرح می‌کند: «فوری‌ترین نیتی که هدایت‌کننده کارم بود، غلبه بر ضدیت میان ذهنیت‌گرایی و عینیت‌گرایی بوده است» (ریترز، ۱۳۷۴، ص ۷۱۵). یکی از انگیزه‌های اصلی بوردیو آن بوده است که از دو گرایی‌های عین‌گرایی / ذهن‌گرایی و ساختار / کنش فراتر رود؛ چنان‌که به اعتقاد بوردیو برای جامعه‌شناس، نه فقط توجه به هر دو روی قضیه لازم است، بلکه درک این نکته نیز ضرورت دارد که این دو بُعد چگونه به طرز تفکیک‌ناپذیری به هم گره خورده‌اند.

در مورد شخصیت امام موسی صدر آنچه موجب شده است کنشگری وی تحلیل و بررسی شود، رابطه دیالکتیک اندیشه و کردار امام صدر است. شخصیت کارزمایی امام صدر به گونه‌ای است که رابطه نظریه و عملکرد را شاهد هستیم که منجر به پیوند ساختارهای عینی و پدیده‌های ذهنی می‌گردد.

دیدگاه فقه پویا و اجتماعی و نگاه عمیق به قرآن و تفسیر کارآمد آن، ذهن خلاق و پویایی از امام موسی صدر ایجاد کرده است که از وی مجتهدی توانمند و روشنفکر دینی ارائه کرده است که امور انتزاعی و ذهنی خویش را در صحنه عمل، انضمامی و عینی کرده است؛ برای نمونه کنش امام موسی صدر در ماجرای بستنی‌فروش مسیحی در لبنان، به فتوای طهارت ذبیحه اهل کتاب منجر شد. رابطه متقابل و دیالکتیکی بین امور ذهنی و عینی در شخصیت امام موسی صدر، شخصیتی متمایز از وی به وجود آورد که در جهت همگرایی ادیان و مذاهب با نگاه تساهل و تسامح و رواداری بر مبنای کرامت انسانی در جهت تغییر و تحول جامعه انسانی گام‌های اساسی برداشته است. امام موسی صدر مجتهد توانمند و نظریه‌پرداز در عرصه‌های گوناگون به‌ویژه علوم

انسانی است، به گونه‌ای که می‌توان جایگاه مرکزی انسان و توجه به آزادی و کرامت ذاتی انسان‌ها را در منظومه فکری وی کشف کرد. با گستره نگاه امام موسی صدر در اعتقاد به وحدت مذاهب اسلامی و همگرایی ادیان الهی و صلح و همبستگی بین افراد، گروه‌ها، طوایف و قبایل، اشتراک در خصیصه انسان‌بودن را شاهد هستیم. افق دید گسترده امام صدر موجب شده است تا وی دین را در خدمت انسان‌ها بداند و در جهت همگرایی عملی بین شیعیان و اهل سنت از یک سو و همگرایی بین مسلمانان و مسیحیان و دیگر ادیان از سوی دیگر تلاش وافر انجام دهد و در جهت تألیف قلوب گام بردارد.

از آن جا که اندیشه امام موسی صدر، اندیشه‌ای صرفاً انتزاعی نیست و به صورت انضمامی در کنش‌هایش متجلی می‌گردد، به‌عنوان یک «الگو» مطرح است؛ بنابراین در الگوی امام موسی صدر باید به ویژگی‌هایی اشاره کرد که قابلیت پیروی از او امکان‌پذیر باشد. با توجه به همبستگی اندیشه و عمل امام موسی صدر، پابندی وی به گفت‌وگو، نگاه تقریبی به ادیان و مذاهب و کنشگری متناسب با آن و تفاهم و تعامل با گروه‌ها و طوایف گوناگون موجب آن شده است تا قابلیت ارجاع به‌عنوان الگو را پیدا کند که در اصطلاح جامعه‌شناسی تحت عنوان «گروه مرجع» آمده است؛ بر این اساس می‌توان امام صدر را «مرجع اجتماعی» نامید.

در پاسخ به اینکه انگیزه پرداختن به کنشگری امام موسی صدر چیست و چه چیزی موجب شده است تا اندیشه و کنش‌های اجتماعی و سیاسی وی شاخص برای مطالعه قرار گیرد و به‌عنوان الگو مطرح شود، به روحیه خاص و قالب‌شکنی امام موسی صدر برمی‌گردد. امام صدر با آنکه در کسوت روحانیت بود، مرزهای رایج و عرفی را درنوردید. در کنار درس حوزوی به تحصیلات دانشگاهی پرداخت و زبان عربی و فرانسوی را فراگرفت. امام موسی صدر با روحیه خاص خویش تلاش کرد صرف نظریه‌پرداز و مجتهد باقی نماند و منش و عادت‌واره خود را که برخاسته از نگاه تحول‌خواه و توجه به کرامت انسانی و صلح‌جویی بود، در میدان لبنان و در عرصه عمل در جهت روزآمد کردن و کارآمد کردن دین در وهله نخست و همگرایی بین مذاهب و

ادیان و انسان‌ها در مرحله بعد به منصفه ظهور رساند. ویژگی‌های شخصیتی امام موسی صدر در انعطاف‌پذیری، دارا بودن سیلان و جولان فکری، داشتن نگاه تساهل و تسامح، باور به گفت‌وگو و احترام به همه انسان‌ها موجب می‌گردد تا کنشگری وی نه تنها در لبنان و جهان اسلام، بلکه در جهان بشری راهگشا باشد و زمینه توسعه پایدار را فراهم سازد.

۲. تبیین مفاهیم

تبیین کنش مهم‌ترین مسئله در عرصه جامعه‌شناسی است و رویکرد جامعه‌شناسان در برخورد با این مسئله در قالب دو سنت عین‌گرایی و ذهن‌گرایی قابل دسته‌بندی است. گیدنز با طرح نظریه ساختاربنندی به وابستگی متقابل ساختار و عامل در تولید پدیده اجتماعی باور دارد (Parker, 2000, p. 10). نطفه‌های شکل‌گیری این مفاهیم در اولین مطالعه انسان‌شناختی بوردیو با نام الجزایری‌ها بازمی‌گردد. مطالعه انسان‌شناختی الجزایری‌ها رویش نخستین جوانه‌های مفاهیم نوبنیاد منش و میدان را نوید می‌دهد (Fowler, 1998, p. 50).

رویکرد تلفیقی بوردیو در وضع مفاهیم دوقلوی منش و میدان به‌عنوان یکی از ابزارهای نظری مهم در برنامه پژوهشی بوردیو تجلی می‌یابد (Pinto, 1996, p. 10). این مفاهیم در نظریه بوردیو در ذات خود رابطه‌گرا هستند؛ به این معنا که هر کدام در رابطه با هم عمل می‌کنند (Bourdieu, 2002, p. 19)؛ به عبارتی لازم و ملزوم یکدیگر هستند. وی با توسعه مفهوم عمل سعی می‌کند که بر تقابل‌های نظری سوژه / ابژه، فرهنگ / جامعه و ساختار / کنش فایق آید (Calhoun, 1995, p. 1). در حقیقت نظریه عمل بوردیو بر اساس مفهوم منش و تعامل آن که با مفهوم میدان سعی در ارائه اصول مولد رفتار انسانی دارد (Griller, 1996, p. 187)، نظریه عمل را تشکیل می‌دهند.

گفتنی است کنشگرانی که ذیل میدان اجتماعی تلاش می‌کنند، از نوعی منش مشترک و سرمایه برخوردارند که بنابر مقدار و نوع سرمایه، جایگاهشان در فضای میدان تعیین می‌شود. بر این اساس دیدگاه نظری و مفاهیم مرتبط به بوردیو و کنشگری امام موسی صدر در ذیل آورده می‌شود.

۱-۲. عادت‌واره^۱

عادت‌واره، منش یا خصلت مفهوم مرکزی تفکر بوردیو است. این مفهوم بیشتر جنبه ذهنی دارد و با موقعیت کنشگر در میدان در ارتباط است (Bourdieu, 1996, p. 85). عادت‌واره به آمادگی‌های اشاره دارد که عامل انسانی طی فرایندهایی، یادگیری و جامعه‌پذیری را در طول زندگی کسب می‌کند. این آمادگی به فرد، توانایی واکنش به موقعیت‌های اجتماعی با شیوه‌های معینی می‌دهد. عادت‌واره بر چگونگی کنش، احساس، تفکر و بودن ما تمرکز دارد (گرنفل، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷). عادت‌واره به بوردیو اجازه می‌دهد تا درباره عامل انسانی کنشگر، نظریه‌پردازی کند.

بر پایه استدلال بوردیو، عادت‌واره محل برخورد ساختار و کنش است (Bourdieu, 1997) به عبارت دیگر منش، ماتریس ادراکات، ارزیابی و اعمال است و مبین خصلت و رفتاری است که در ذیل نوعی فضای اجتماعی معنا پیدا می‌کند (جمشیدی‌ها و پرستش، ۱۳۸۶). بنابر دیدگاه بوردیو عادت‌واره «ساختارهای روانی یا شناختی» هستند که انسان‌ها به وساطت آنها با جهان اجتماعی روبه‌رو می‌شوند (بوردیو، ۱۳۸۰، ص ۱۵). منظور از عادت‌واره، مجموعه طرح‌واره‌هایی است که یک انسان در طول زندگی خود از ابتدای تولد به بعد براساس برخورد با محیط‌های مختلف مانند نهاد خانواده، نهاد آموزش و پرورش، رسانه‌ها و گروه همسالان کسب می‌کند (بوردیو، ۱۳۸۰، ص ۱۷)؛ بنابراین عادت‌واره، شامل قابلیت‌هایی است که سلاقی افراد را بر روی یک پیوستار تعیین می‌کنند (Featherstone, 1987). می‌توان عادت‌واره‌ها را محصول فعالیت تاریخی نسل‌های پی‌درپی دانست.

بوردیو عادت‌واره را تفکر ساختار ذهنی‌ای می‌داند که در خلال آن مردم با جهان اجتماعی مراوده می‌کنند. عادت‌واره هم تولیدشده جهان اجتماعی است و هم آن را تولید می‌کند. عادت‌واره فقط در نسبت با یک میدان عمل می‌کند. عادت‌واره پایه فهم ما از جهان است. برای آنکه بتوانیم در جهان اجتماعی زندگی کنیم، نیازمند نوعی

1. Habitus.

گرایش، کنش و آگاهی هستیم که آن را عادت‌واره در اختیارمان می‌گذارد (جلایی‌پور، محمدی، ۱۳۹۴، ص ۳۱۸).

عادت‌واره امام صدر تفکر ذهنی وی به‌عنوان کنشگر است که در خلال آن با جهان اجتماعی ارتباط برقرار کرده است. بر این اساس امام صدر به‌طور طبیعی و منطقی ابتدا آموزش دید و به اجتهاد رسید؛ سپس با شناخت دقیق از دین و اوضاع زمان به حوزه عمل وارد شد و با کنش‌های اجتماعی و سیاسی خویش تأثیر بسزایی در اتحاد و همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان، مذاهب و فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون داشت. بنابر دیدگاه بوردیو، تمایلات عادت‌واره، مبنای کنش امام موسی صدر است که در عین حال ساختار اجتماعی وی را نیز تشکیل می‌دهد.

۲-۲. میدان^۱

سابقه نظری مفهوم میدان به نظریه میدان در فیزیک باز می‌گردد. این واژه در علوم اجتماعی ترجمان خود را در قالب میدان‌های اجتماعی مختلفی پیدا می‌کند که هر کدام اعضای خاص خود را یا به عبارت بهتر واجدین شرایط خاصی را در بر دارند (جمشیدی‌ها و پرستش، ۱۳۸۶، صص ۱۵-۱۶). بنا به تعریف بوردیو میدان عرصه‌ای اجتماعی است که مبارزه‌ها یا تکاپوها بر سر منابع و منافع معین و دسترسی به آنها در آن صورت می‌پذیرد (جنکینز، ۱۳۸۵، صص ۱۳۵-۱۳۶). در واقع میدان همان زمینه‌ای است که بازی در آن رخ می‌دهد و عامل آن را درونی می‌کند (بوردیو، ۱۳۸۰). منازعه در میدان جنبه درونی می‌یابد و بر سازنده آن است. این نوع منازعه مانع از پیروی قواعد و برهم‌زننده آن نیست، بلکه به استحکام هرچه بیشتر میدان کمک می‌کند (Martin, 2003, p. 31). منازعاتی که درون یک میدان وجود دارند، ناظر بر انحصار خشونت مشروعی هستند که از خصوصیات آن میدان‌اند و به معنای حفظ یا تغییر ساختار توزیع سرمایه خاص هستند (Bourdieu, 1993, p. 73).

1. Field.

رویکرد رابطه‌گرا در مورد مفاهیم منش و میدان یکی از معانی خود را در مقوله موقعیت باز می‌یابد. موقعیت همان نقطه‌ای است که منش را به میدان متصل می‌کند (Swartz, 1997, p. 119). هر میدان منطق خاص خود را دارد و عاملان و کنشگران اجتماعی که جایگاه‌های خاصی را تعریف می‌کنند، می‌فهمند که چگونه باید در میدان رفتار کنند.

مفهوم میدان در علوم اجتماعی، میدان‌های اجتماعی است. در دیدگاه بوردیو منش و میدان وضع شده‌اند تا در نهایت به تبیین عمل بینجامد. در این نظریه کنش پیامد رابطه بین منش و میدان است. در مورد امام موسی صدر منش‌ها و عادت‌واره‌هایی وجود دارد که در طول زندگی‌اش ساخته شده‌اند و در میدان اجتماعی ظهور و بروز پیدا کرده‌اند؛ بر این اساس در تبیین کنش امام موسی صدر لازم است به تعامل منش و میدان و رابطه دیالکتیکی بین این دو توجه کرد.

۲-۳. سرمایه^۱

سرمایه در نظر بوردیو به هر نوع قابلیت مهارت و توانایی گفته می‌شود که فرد می‌تواند در جامعه به صورت انتسابی یا اکتسابی به آن دست یابد و از آن در روابطش با دیگر افراد و گروه‌ها برای پیشبرد موقعیت خود بهره‌بردارد. تأثیرپذیری بوردیو از مارکس عمدتاً در نظریه سرمایه او مشاهده می‌شود؛ البته نظریه سرمایه در نظریه بوردیو جهت فرهنگی دارد تا اقتصادی (باکاک، ۱۳۸۱، ص ۹۳). از نظر بوردیو هر میدانی از چهار سرمایه تشکیل شده است: سرمایه اقتصادی (ثروت)، سرمایه اجتماعی (مجموعه روابط و پیوندهای قابل استفاده)، سرمایه فرهنگی (تحصیلات، دانش و فرهنگ کسب شده) و سرمایه نمادین (پرستیژ و کاریزما) (فکوهی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۵). انواع سرمایه در جوامع مدرن غالباً با هم مرتبط هستند (Fowler, 1998, p. 31). همچنین سرمایه تبدیل‌پذیر است (Webb, 2002, p. 161).

1. Capital.

۲-۴. سرمایه اجتماعی^۱

سرمایه اجتماعی که فراتر از سرمایه‌های مادی، فیزیکی، انسانی و فرهنگی در روابط بین انسان‌ها مطرح است، مفهوم آن به روابط و پیوندهای بین انسان‌ها مربوط می‌شود که موجب انسجام و پیوستگی و همکاری متقابل بین آحاد جامعه و استحکام پایه‌های اجتماع می‌گردد. ایده اصلی سرمایه اجتماعی این است که افراد، دارایی مهمی را تشکیل می‌دهند که می‌توان به هنگام بحران، از آن استفاده کرد. بورديو بر این باور است که سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از تماس‌ها، رابطه‌ها، آشنایی‌ها، دوستی‌ها، و دین‌ها (مطالبات یا دیون نمادین) هستند که براساس پیوندها به افراد دیگر وصل می‌شوند.

سرمایه اجتماعی از گونه‌هایی تشکیل شده است که از درونی‌ترین تا بیرونی‌ترین وجه را شامل می‌شود. این گونه‌ها به ترتیب وجوه عبارت‌اند از:

سرمایه اجتماعی درون‌گروهی: به روابط فرد با اعضای گروه آشنا و خودی برمی‌گردد که مربوط به سرمایه موجود در یک گروه و شبکه است. خانواده واضح‌ترین نمونه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی است.

سرمایه اجتماعی بین‌گروهی: به ارتباط گروه‌ها و شبکه‌ها با هم و انسجام آنان برمی‌گردد. سازمان جامعه مدنی نمونه سرمایه اجتماعی بین‌گروهی یا میان‌گروهی است. سرمایه اجتماعی برون‌گروهی: به ارتباط کلان و گسترده در بین همه جوامع دینی برمی‌گردد که دستاورد آن برای همه دینداران است.

سرمایه اجتماعی فراگروهی: به روابط گسترده و ارتباط بین همه انسان‌ها به دور از هرگونه آیین و مکتب و ملیتی برمی‌گردد که دستاورد آن به همه انسان‌ها برمی‌گردد (شویره و فوتن، ۱۳۸۵، صص ۹۸ - ۹۹؛ تاجبخش، ۱۳۸۴، صص ۸ و ۲۲؛ شجاعی باغینی و همکاران، ۱۳۸۷، صص ۸۶-۸۷؛ صالحی‌امیری و کاوسی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۴؛ فیلید، ۱۳۸۶، صص ۱۱۹ و ۱۴۹؛ فاین، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳؛ دادگر، نظرپور و منتظری‌مقدم، ۱۳۹۴، صص ۷۲-۷۳؛ علینی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰).

1. Social Capital.

۳. کنشگری امام موسی صدر

امام موسی صدر شخصیتی کاریزما در جامعه لبنان است. کنشگری وی در عرصه‌های گوناگون موجب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و تقویت آن گردیده است. کنش‌های امام صدر در بازسازی هویت، انسجام و عزت تاریخی شیعیان لبنان ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی درون‌گروهی را موجب شده است. کنش‌های امام صدر در گفت‌وگو و همگرایی مذاهب اسلامی به‌ویژه شیعیان و اهل تسنن، منجر به تقویت سرمایه اجتماعی بین‌گروهی شده است. کنش‌های امام موسی صدر در همگرایی ادیان به‌ویژه اسلام و مسیحیت، موجب شکل‌گیری و افزایش سرمایه اجتماعی برون‌گروهی شده است. در نهایت تعامل و تفاهم امام موسی صدر با گروه‌ها و طوایف انسانی منجر به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی فراگروهی و افزایش آن شده است که وجه مثبت سرمایه اجتماعی را شامل می‌شود. اکنون به تفصیل گونه‌های چهارگانه سرمایه اجتماعی در کنشگری امام موسی صدر را بررسی می‌کنیم.

۳-۱. کنشگری امام موسی صدر در شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی

امام موسی صدر در ابتدای ورود به لبنان در مرحله اول با توجه به وضعیت ازهم‌گسیخته شیعیان در جامعه چندفرهنگی و متکثر لبنان، تمام هم و غم خویش را صرف وضعیت معیشتی آنان کرد و موجب عزت‌بخشی شیعیان گردید. در این مرحله وی با کنشگری خود در مورد شیعیان و ارتقای هویت آنان، موجب تولید و تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی گردید. به‌واقع امام صدر به‌ویژه در سال‌های اول ورود به لبنان با توجه به شخصیت کاریزمایی‌اش به‌عنوان الگوی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی مطرح است.

توجه و اهتمام امام صدر به مسائل دینی و اجتماعی مردم از شهر صور آغاز شد و سراسر لبنان را دربرگرفت. در صور با دغدغه‌های مردم ساده و بی‌آلایش آن آشنا شد و پیچیدگی اوضاع معیشتی آنان را دریافت. همگان با چشم خود می‌دیدند که او بارها در خانه‌ای را می‌کوبید و اجازه می‌گرفت و به آن وارد می‌شد؛ به یک خانه معمولی یا یک زیرزمین محقر گام می‌نهاد و در کنار اهل آن می‌نشست و با آنان جای می‌نوشید و

گاهی هم شام ساده و مختصری را که داشتند، حتی اگر یک بشقاب زیتون بود، با هم می‌خوردند و اگر دیروقت بود، از خوابیدن بر روی بستری کهنه یا حتی بیدار ماندن تا سحر امتناع نمی‌کرد (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱، صص ۸۷).

امام موسی صدر جهت بازسازی هویت انسجام و عزت تاریخی طایفه شیعه لبنان که منجر به تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی گردید، اقدامات زیر را انجام داد:

امام صدر از زمستان ۱۳۳۸ با ورود به لبنان و هم‌زمان با آغاز فعالیت‌های گسترده دینی و فرهنگی خود در مناطق شیعه‌نشین لبنان، مطالعات عمیقی را به منظور ریشه‌یابی اسباب عقب‌ماندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شیعیان آن سامان به اجرا گذاشت. حاصل این مطالعات، برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدتی بود که از میانه سال ۱۳۳۹ با هدف ساماندهی شئون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شیعیان و بازسازی هویت، انسجام و عزت تاریخی آنان طراحی و اجرا گردید. وی در زمستان ۱۳۳۹ و پس از تجدید سازمان جمعیت خیریه «البرّ و الاحسان» با تنظیم برنامه ضربتی جهت تأمین نیازهای مالی خانواده‌های بی‌بضاعت، ناهنجاری تکدی را به کلی از سطح شهر صور و اطراف آن برانداخت. ایشان در فاصله سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۸ و در چارچوب برنامه‌ای میان‌مدت، با طی سالانه ۱۰۰ هزار کیلومتر در میان شهرها و روستاهای سراسر لبنان، ده‌ها جمعیت خیریه و مؤسسات فرهنگی و آموزش حرفه‌ای راه‌اندازی کرد که حاصل آن کسب اشتغال و خودکفایی اقتصادی هزاران خانواده بی‌بضاعت، کاهش درصد بی‌سوادی، رشد فرهنگ عمومی و به‌اجرا درآمدن صدها پروژه کوچک و بزرگ عمرانی در مناطق محروم آن کشور بود (ضاهر، ۲۰۰۰، ج ۲، ص ۱۹).

امام صدر در تابستان ۱۳۴۵ و پس از اجتماعات عظیم و چندروزه شیعیان لبنان در بیعت با ایشان، رسماً از حکومت وقت درخواست کرد تا همانند دیگر طوایف آن کشور، مجلسی برای سازماندهی طایفه شیعه و پیگیری مسائل آن تأسیس گردد. مجلس اعلامی اسلامی شیعه که اولین بخش از برنامه درازمدت وی به شمار می‌رفت، در اول خرداد ۱۳۴۸ تأسیس و خود آن بزرگوار با اجماع آرا به ریاست آن انتخاب گردید (کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۹۹، ص ۱۷).

امام صدر درباره چگونگی و هدف تشکیل مجلس اعلای شیعیان که در جهت افزایش سرمایه اجتماعی درون گروهی شیعیان لبنان بود، چنین می‌گوید: «اجتماعات مردمی که در صورت اتفاق افتاد، مرا به این باور رساند که تأسیس سازمانی برای شیعیان بسیار ضروری است. هدف از تأسیس این سازمان، محافظت از امور دینی و اشراف بر اوقاف و مؤسسات شیعیان، و اداره و سازماندهی امور مربوط به آنها بر طبق احکام شریعت مقدس اسلامی و قوانین و نظام‌های نشئت گرفته از این آیین است. همه اینها به همت نمایندگانی با کفایت و اهل نظر صورت خواهد گرفت» (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱، صص ۱۹۳-۱۹۴).

وی با صراحت هدف خود را از تأسیس مجلس اعلا چنین بیان می‌کند: من وظیفه دارم تا وضعیت شیعیان را سامان دهم. سازمان‌یافتگی امور شیعیان تأثیری مستقیم بر وضعیت آنان داشته است و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و تربیتی گسترده‌ای را ایجاب می‌کند. به گفته وی یکی از انگیزه‌های تأسیس مجلس اعلای شیعیان برنامه‌ریزی برای خدمت‌رسانی به مناطق محرومی است که شیعیان لبنان در آن ساکن‌اند، مانند جنوب و بقاع (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۴، ص ۱۵۶).

۲-۳. کنشگری امام موسی صدر در شکل‌گیری و افزایش سرمایه اجتماعی بین (میان) گروهی

در مرحله بعد با عنایت به باور امام موسی صدر در مورد وحدت و تقریب مذاهب اسلامی و کنش‌های اجتماعی و مذهبی وی در جهت همگرایی و انسجام میان مسلمانان به‌ویژه اهل سنت و شیعیان، موجب تولید و تقویت سرمایه اجتماعی بین گروهی گردید.

در مسئله پرچمداری حرکت گفت‌وگوی ادیان و همگرایی مذاهب در لبنان، هدف استراتژیک امام صدر آن بود تا طایفه شیعه لبنان را همسان دیگر طوایف و نه مقدم بر آنان در تمامی عرصه‌های حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن کشور مشارکت دهد. وی از اولین روزهای هجرت به لبنان در سال ۱۳۳۸ با طرح شعار «گفت‌وگو، تفاهم و همزیستی» پایه‌های روابط دوستانه و همکاری صمیمانه را با رهبران اهل سنت، همچون شیخ محی‌الدین حسن بنا نهاد. امام صدر در تابستان ۱۳۴۲ و در

سفری دو ماهه به کشورهای شمال آفریقا، طرحی نو جهت همفکری مراکز اسلامی مصر، الجزایر و مغرب با حوزه‌های علمیه شیعی لبنان در انداخت (کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۹۹، صص ۱۸-۱۹).

امام صدر سال ۱۳۴۷ به عضویت مرکز اسلام‌شناسی استراسبورگ درآمد و در بهار ۱۳۴۸ و بدون فاصله پس از افتتاح مجلس اعلای شیعیان (صدر، ۱۳۸۳، ص ۳۶۰) از شیخ حسن خالد، مفتی اهل سنت لبنان دعوت کرد تا با همفکری یکدیگر برای توحید شعائر، اعیاد و فعالیت‌های اجتماعی طوایف اسلامی تدبیری بیندیشند. وی در همین خصوص طرح مدوئی را به اجلاس سال ۱۳۴۹ «مجمع بحوث اسلامی قاهره» ارائه کرد و متعاقب آن به عضویت دائم این مجمع درآمد (کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۹۹، ص ۱۹). کنشگری ایشان برای همگرایی مذاهب اسلامی به گونه‌ای بود که برای یکپارچه‌سازی اعیاد و آغاز ماه مبارک رمضان، با اعضای مجلس اسلامی دیدار می‌کرد و با آنان درباره این موضوع به گفت‌وگو می‌پرداخت (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۱۰).

امام صدر در سفرش به قاهره نماز جمعه را در مسجد جامع الأزهر و با حضور شماری از شخصیت‌ها به‌جای آورد. وی کنشگری‌اش را در جهت همگرایی بین مذاهب اسلامی و افزایش سرمایه اجتماعی بین گروهی در مصر چنین می‌گوید: دیداری با شیخ شلتوت، رئیس دانشگاه الأزهر و استاد محمد المدنی و دیگران داشتم و درباره مسائل اسلامی و تدریس مذهب شیعه در کنار مذاهب چهارگانه اهل سنت با آنان گفت‌وگو کردم. در آنان نگاهی آینده‌نگر برای تلاش در راه وحدت کلمه و وحدت صفوف و وحدت احساس دیدم (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۵۶). در جهت همگرایی بین مذاهب اسلامی، امام صدر در نامه‌ای تاریخی خطاب به شیخ حسن خالد، مفتی جمهوری لبنان، خواهان وحدت مسلمانان در پاسخ به خطرهایی شد که کشور و امت را تهدید می‌کند. به باور امام صدر شرط وحدت میان مسلمانان، تقرب و نزدیکی است. او تصریح می‌کند: شرط تقرب نیز تفاهم است. شرط تفاهم نیز گفت‌وگو است. گفت‌وگو نیز جز از راه سازماندهی فرّوق ممکن نیست. همچنین وی در گفت‌وگوی خود با الیاس الدیري ابراز کرد تفاوتی میان شیعه و سنی وجود ندارد (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۱۳).

کنشگری امام صدر در جهت تقویت سرمایه اجتماعی بین گروهی به شیوه‌ای بود که در سفرها و نشست و دیدارهایش به این امر اهتمام می‌ورزید؛ بر این اساس وی در نشست عرمون که با حضور شیخ حسن خالد و شیخ ابوشقرا برگزار شد، حضور یافت یا به دعوت شیخ ضیاءالدین باباخانوف، مفتی آسیای میانه و قزاقستان، در رأس هیئتی از علمای شیعه، لبنان را به مقصد اتحاد جماهیر شوروی ترک کرد تا از جمهوری‌های مسلمان در شوروی و همچنین مؤسسه‌های اجتماعی و دینی دیدار و در آنجا سخنرانی کند (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۱۰۱).

۳-۳. کنشگری امام موسی صدر در شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی

امام موسی صدر با توجه به نگاه همگرایی و تقریبی خود در مرحله‌ای گسترده‌تر باب گفت‌وگو و همکاری عملی با ادیان به‌ویژه مسیحیان را گشود. کنشگری وی در زمینه همگرایی با ادیان به شکل‌گیری و افزایش سرمایه اجتماعی برون‌گروهی منجر گردید.

نمونه‌ای بارز از کنشگری امام صدر در همگرایی بین ادیان که سرمایه اجتماعی برون‌گروهی را تقویت کرد، مربوط به ماجرای بستنی‌فروش مسیحی می‌شود. ماجرا از این قرار بود که در شهر صور، فردی مسیحی به نام ژوزف سلیم آنتیبا - که یونانی‌الأصل بود و در زمان جنگ جهانی اول به لبنان مهاجرت کرده بود - در محله شیعه‌نشین شهر، مغازه بستنی‌فروشی داشت و رقیب او که شیعه بود، با استفاده از احساسات مذهبی مردم، آنان را از خرید بستنی از شخص مسیحی باز می‌داشت. تا اینکه روزی این فرد که او را عمو هم می‌نامیدند، نزد امام صدر رفت و موضوع را برای ایشان شرح داد. چندی بعد در یک روز جمعه، امام پس از اقامه نماز جمعه در مسجد شهر صور، به همراهان خود گفت که می‌خواهد دقایقی پیاده در بازار شهر قدم بزند. چند تن از یاران نیز با ایشان همراه شدند. در واقع امام می‌خواست به دیدن بستنی‌فروش مسیحی برود. وقتی به آنجا رسیدند، امام در مقابل مغازه بستنی‌فروشی ایستاد و به صاحب مغازه گفت: «امروز از کدام نوع بستنی به ما می‌دهید؟» عمو با شنیدن این جمله از بستنی‌های

خود به امام و یارانش داد. بدین ترتیب امام با این رفتار خود بی‌آنکه مناقشه یا بحث و جدلی صورت گرفته باشد، امتناع مردم از خرید بستنی از شخص مذکور را پایان داد و به همگان اعلام کرد که این کار از نظر یک روحانی و رهبری که سید و از نسل پیامبر ﷺ است، پذیرفتنی و بی‌اشکال است (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱، صص ۸-۹). حمایت جوانمردانه امام صدر از بستنی‌فروش مسیحی در اوایل تابستان ۱۳۴۱ که به فتوای صریح ایشان مبنی بر طهارت اهل کتاب منجر گردید، توجه تمامی محافل مسیحی لبنان را به خود جلب کرد.

بنابراین باور امام صدر به طهارت اهل کتاب بود که سیدصادق طباطبایی در اولین سفر امام صدر به آلمان در سال ۱۹۶۴م تعریف می‌کند به هر رستورانی که می‌رفتیم، ایشان ذبیحه اهل کتاب را نجس نمی‌دانست و از غذای آنجا می‌خورد. او می‌گوید: آنجا دایی جان می‌گفت اینها مسیحی و اهل کتاب بوده و بنابراین پاک هستند. اگر چیزی دال بر نجاست ندیدی، پاک هستند و اشکالی ندارد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۸).

تأثیر مثبت کنشگری امام صدر در همگرایی بین ادیان به‌ویژه اسلام و مسیحیت به‌گونه‌ای بود که در اواخر تابستان ۱۳۴۱ مطران گریگوار حداد به شهر صور آمد و از امام صدر برای عضویت در هیئت امنای جنبش حرکت اجتماعی دعوت کرد. از اواخر سال ۱۳۴۱ حضور گسترده امام صدر در کلیساها، دیرها و مجامع دینی و فرهنگی مسیحیان آغاز گردید. سخنرانی‌های تاریخی امام صدر در دیرالمخلص، واقع در جنوب و کلیسای مارمارون در شمال لبنان طی سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ اثرات معنوی عمیقی بر مسیحیان آن کشور بر جای نهاد. امام صدر در بهار ۱۳۴۲ اولین دوره سلسله گفت‌وگوهای اسلامی و مسیحیت را با حضور بزرگان این دو دین الهی در مؤسسه فرهنگی الندوه اللبنانیة به راه انداخت (کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۹۹، ص ۱۸).

دیدگاه و کنشگری امام صدر در جهت همگرایی بین دین اسلام و دین مسیحی چنان صادقانه و شفاف بود که وی پس از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۴۶ به دیدار پاپ، والاترین مقام مذهبی مسیحی شتافت. نشستی که ابتدا نیم ساعت پیش‌بینی شده بود که به تقاضای پاپ بیش از دو ساعت به درازا کشید (کمالیان و رنجبر

کرمانی، ۱۳۹۹، ص ۱۹). همچنین وی در مورد دیگری می‌گوید: در سال ۱۹۶۲م در راه سفر به الجزایر، به شهر رم رسیدم و در مراسم تاج‌گذاری پاپ حاضر شدم و به همراه دیگر حاضران، در فضای محدود و کوچکی نشستم که مخصوص شخصیت‌های مهم بود (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۱۸۹).

نتیجه کنشگری امام صدر به همگرایی بین ادیان که برخاسته از باور و ایمان وی بود، به تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی منجر گردید؛ از باب نمونه ایشان برجسته‌ترین شخصیتی بود که در بکرکی، در گذشت پاتریارک معوشی را تسلیم گفت و در هنگام تسلیم گویی، کشیش‌ها را در آغوش گرفت (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۵، ص ۸).

یکی دیگر از کنش‌های مثبت امام صدر در همگرایی بین ادیان در سال ۱۳۴۹ بود که رهبران مذهبی طوایف مسلمان و مسیحی جنوب لبنان را در چارچوب «کمیته دفاع از جنوب» گرد هم آورد تا برای مقاومت در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی چاره‌اندیشی کنند (کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۹۹، ص ۱۹).

اوج کنشگری امام صدر در همگرایی بین ادیان و تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی را در حضور وی در کلیسای کبوشین و ایراد سخنرانی تاریخی‌اش شاهد هستیم. ایشان در زمستان ۱۳۵۳ و در اقدامی بی‌سابقه، خطبه‌های عید و موعظه روزه را در حضور شخصیت‌های بلندپایه مسیحی لبنان در کلیسای کبوشین بیروت ایراد کرد (کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۹۹، ص ۱۹). امام صدر خود درباره ایراد خطبه‌اش در کلیسای کبوشین چنین بیان می‌کند: گفت‌وگو و همگرایی در لبنان امری سابقه‌دار و برخاسته از عمق وجدان لبنانیان است. خطبه روزه من در کلیسای پدران کبوشین، نشان‌دهنده این حقیقت موجود در لبنان بود (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۵، ص ۱۹۹).

کنشگری پویای امام صدر تا مرحله‌ای پیش رفت که وی در اواسط سال ۱۳۵۷ موفق شد رهبران مسلمان و مسیحی لبنان را برای برپایی یک جبهه فراگیر ملی متقاعد کند و در این مسیر تا آنجا پیش رفت که حتی موعد تأسیس اولین گردهمایی آنان را برای پس از بازگشت خود از سفر لیبی مشخص کرد. با برپا شدن امام صدر در شهریور ۱۳۵۷ و آغاز مجدد جنگ داخلی لبنان، این اندیشه در محاق

فرو رفت و تحقق آن حتی امروز، آرزویی دست‌نیافتنی می‌نماید (کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۹۹، ص ۱۹).

امام صدر در مراسم جشنی که به مناسبت عید عروج حضرت مریم در شهر شقرا برگزار شده بود، سخنرانی کرد. بعد از سخنرانی او، گریگوار حداد پدر روحانی مسیحی در سخنانی گفت: «دیدار امروز ما حادثه‌ای تاریخی است که با سایر حوادث متفاوت است. شهری شیعه‌نشین در مناطق مرزی لبنان برخلاف آداب و رسوم که تاکنون مرسوم بوده، از مسیحیان دعوت می‌کند که در مراسم جشنی شرکت کند که به مناسبت عروج حضرت مریم برگزار گردیده است» (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۸۲).

کنشگری امام صدر در همگرایی ادیان و تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی تأثیر متقابل و مثبت خود را در عمل نشان می‌داد. ایشان در بیان خاطره‌ای چنین می‌گوید: رفیق کشیشی داریم که از بنده دعوت کرد که در دیرالمخلص صحبت کنم. دیرالمخلص مرکز تربیت کشیش‌های کاتولیک لبنان است. در راه که با اتومبیل بنده به دیرالمخلص می‌رفتیم، به من گفت در اینجا مردانی که برای کشیش شدن تربیت می‌کنیم، راهب هستند، تارک دنیا هستند، زن نمی‌گیرند، خود را از لذات دنیا محروم می‌کنند. زن‌هایی هم که اینجا هستند، همین‌گونه‌اند. حُب، اینها باید خیلی فداکاری بکنند. دنیا هم رفته‌رفته خیلی فریبنده شده است و ما رفته‌رفته نمی‌توانیم اینها را در مقابل این موج اغوای دنیا نگه داریم. این است که اینها به تقویت روحی احتیاج دارند. شما کمی روحیه اینها را تقویت کنید. بنده یک ساعتی صحبت کردم. خدا می‌داند آقای اسلامی، بعد از مدتی مدیرکل سابق تبلیغات لبنان، دکتر پطرس دیب به من گفت: تو در دیرالمخلص صحبت کردی؟ گفتم: بله. گفت: بیا ببین چه خبر شده؟ گفتم: چی شده؟ گفت: رئیس دیرالمخلص به من گفت که آن صفا و معنویاتی که سید موسی در ظرف یک ساعت در این محیط ریخت، بیشتر از معنویاتی بود که ما در شش سال می‌توانیم به اینها بدهیم (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۲۶).

امام صدر لبنان را عرصه‌ای از موفقیت تجربه همزیستی میان مسلمانان و مسیحیان می‌دانست. براساس همین باور بود که در تمامی دوران حضور امام صدر در لبنان، هیچ

مراسم سُروور یا اندوهی از شیعیان نبود که امام صدر در آن شرکت جوید، اما تنی چند از فرهیختگان مسیحی و اهل سنت آن کشور همراه وی نباشند.

۳-۴. کنشگری امام موسی صدر در شکل‌گیری و افزایش سرمایه اجتماعی فراگروهی

در ادامه، امام موسی صدر با توجه به نگاه انسانی خویش، میدان کنش را بسط داد و به جای آنکه در چارچوب ایدئولوژیک مذهبی خودش کنش کند، در میدان وسیع‌تر، کنش‌های خود را متوجه جنبه‌های انسانی دین کرد. امام موسی صدر با کنش‌های گسترده و رفتارهای هوشمند و هدفمندش، کرامت انسانی را به میدان آورد؛ بر این اساس وی زمینه همکاری و تعامل را با افراد و گروه‌ها، طوایف و قبایل با توجه به اشتراک در خصیصه انسان‌بودن فراهم آورد. این‌گونه بود که امام موسی صدر به‌عنوان مرجع کاریزماتیک، مرزها را کمرنگ کرد. در این مرحله است که شاهد شکل‌گیری سرمایه اجتماعی فراگروهی و افزایش آن هستیم که وجه مثبت سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردد.

امام صدر در زمستان ۱۳۵۵ و در جمع سردبیران نشریه‌های بیروت، با پیش‌بینی صریح حذف فاصله‌ها و روند جهانی‌شدن در اواخر قرن بیستم، قرن بیست و یکم را قرن همزیستی پیروان ادیان، مذاهب، فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون نامید و بر رسالت تاریخی لبنان جهت ارائه الگوی موفق در این زمینه پای فشرده (کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۹۹، ص ۱۹). سرمایه معنوی در وجود امام موسی صدر بود که زندگی خود را برای خدمت به دیگر انسان‌ها اختصاص داده بود. وی جوانی و راحتی و سلامتی خود و توجه به فرزندان را در سعادت و خوشبختی مردم می‌دانست (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۶، صص ۱۹۹-۲۰۰). گفتنی است سرمایه اجتماعی به همراه سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین و سرمایه معنوی در وجود امام موسی صدر از وی، کنشگری ساخته است تا براساس منش و میدان به نظریه عمل دست یابد.

ساده‌ترین سخنی که می‌توان درباره شخصیت امام موسی صدر گفت، این است که اگر با او همنشین شوی و گرمای مهرورزی و مهربانی و خُلق کریمش تو را دربرگیرد،

احساس می‌کنی که تشیع فقط صفت شیعیان نیست، بلکه در درجه نخست، از آن تو نیز هست. ادیان در حقیقت نهایی‌شان، همان اصول اخلاقی متعالی‌اند که همه در خدمت انسان‌اند، از سرچشمه و مجرا گرفته تا مصب، و فقط کسانی میان آنها جدایی می‌افکنند که نتوانسته‌اند به بوستان‌های روحانیتی که پیامبران بزرگ در آن و زیر ستارگان ابدی آن زیسته‌اند، راه یابند و حایلی در برابر وزش نسیم روح شده‌اند و آن دین را ابزار سود یا جاه‌طلبی یا هر دو قرار داده‌اند (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۲، صص ۱۱۷).

کنشگری امام صدر در افزایش سرمایه اجتماعی فراگروهی به گونه‌ای است که وی به صراحت قائل است هیچ‌گونه عوامل سیاسی در ورای تأسیس مجلس اعلای شیعیان وجود نداشت، جز احساس کرامت و موجودیت و احساس بشربودن. امام صدر کنشگری خودش را در رهبری جنبش محرومان به‌عنوان نماینده و بیانگر رنج‌های همه محرومان از همه مذاهب و مناطق می‌داند، به گونه‌ای که دستورالعمل جنبش محرومان مبنی بر مهرورزی و ایثار در خدمت به محرومان بود (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۱۶۵). وی تأسیس مدرسه فنی و حرفه‌ای جبل عامل را یکی از گام‌هایی می‌داند که در جمعیت احسان و نیکوکاری در صور برای خدمت‌رسانی به رنج‌دیدگان و محرومان برداشته شده است (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۴۱).

کنشگری سیاسی امام صدر در سفرهایش جهت حل بحران لبنان و رسیدگی به مردم محروم را می‌توان دریافت. وی علاوه بر سفرهای متعدد به کشورهای منطقه و عربی، به اتریش، کشورهای اروپایی و آفریقایی نیز سفر کرد (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۴۴).

امام صدر شرط اساسی وحدت لبنانی‌ها را اعتماد متقابل از راه گفت‌وگو می‌دانست. به زعم وی باید فضایی مناسب برای گفت‌وگو فراهم کنیم؛ یعنی اعتماد و احترام و محبت را در خود تقویت کنیم و از تردیدافکنی و اتهام‌زنی بکاهیم. امام صدر تصریح می‌کند: در لبنان همه وظیفه دارند برای تفاهم و دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز به گفت‌وگو تن در دهند: «لبنان جز با تلاقی و ارتباط و گفت‌وگوی همگان زنده و پاینده نمی‌ماند و اگر می‌خواهیم لبنان برای همیشه پایدار بماند، راهی جز اعتقاد به گفت‌وگو و همگرایی و تعمیق ارتباط میان خود و دیگران نداریم» (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۴۲۶). وی

وجه امتیاز لبنان و ویژگی تمدنی آن را در این می‌داند که مذاهب و فرقه‌ها گوناگون با برادری کامل در کنار هم، همزیستی می‌کنند.

کنشگری امام صدر در افزایش سرمایه اجتماعی فراگروهی را در منطقه نبعه شاهدیم. او بیمارستانی را با یاری پزشکان فرانسوی عضو «سازمان پزشکان بدون مرز» احداث کرد. همچنین بیمارستانی صحرائی با همکاری صلیب سرخ بین‌المللی در زمین متعلق به مجلس اعلای شیعیان واقع در محله اوزاعی منطقه بئر حسن با حضور امام صدر افتتاح شد. این بیمارستان به تمامی محرومان و نیازمندان لبنانی از هر مذهب و گروهی که باشند، خدمات ارائه می‌کند (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۷، ص ۲۰).

کنشگری امام صدر در تقویت سرمایه اجتماعی فراگروهی را در محبت به همه مردم لبنان نظاره‌گریم. وی با ایجاد اعتماد و دوستی، میان دل‌ها الفت برقرار می‌کرد و هر کینه و دشمنی را با آشتی دادن، غافلگیر می‌ساخت؛ با هر محرومی که به قصد دیدن او می‌آمد، دیدار می‌کرد و یا خواسته او را برآورده می‌کرد یا [حداقل] به او آرامش می‌بخشید. کنشگری امام صدر در نگاه فراگروهی، رفع محرومیت از همه محرومان بود؛ از هر دین و مذهبی که باشند. در باور وی اسلام تفاوتی بین هموطنان نمی‌گذارد و حامل پرچم دفاع از محرومان است. انتظار وی از سیاستمداران گسترش عدالت و دفاع از محرومان بود (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۵، ص ۳۰۷). اعتقادش بر این بود که زکات باید همواره در صدد جبران کمبودهای معیشتی تهیدستان و کم کردن دائم فاصله میان سطح درآمد طبقات گوناگون باشد (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۲۹۰).

نگاه انسانی و فراگروهی امام صدر به گونه‌ای است که وی با صراحت تأکید می‌کند: وقتی می‌گوییم شیعه، نه از این جهت که شیعه هستند، همه انسان‌ها محترم‌اند؛ تمامی هم‌میهنان محترم‌اند. ما خواستار حق شیعیان و غیرشیعیان هستیم. خواستار حق هر محرومی و خواستار آبادی همه منطقه‌هاییم. کنشگری امام صدر در حمایت همه محرومان به گونه‌ای است که هدف از مطالباتش برای اجرای عدالت در مناطق محروم و تحقق عدالت اجتماعی است (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۴، ص ۲۱۷). وی موفقیت را به برقراری عدالت و فراهم شدن فرصت برای همگان می‌داند.

دیدگاه انسانی امام صدر در افزایش سرمایه اجتماعی فراگروهی را در خطابش به ملت‌های اروپا و آمریکا می‌توان فهمید. وی گفت: «خدا پروردگار همه هستی است و فرقی میان آمریکایی و آفریقایی نیست. مرزها ساخته دست بشرند و همه مردم دنیا خانواده‌ای واحدند (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۵، ص ۴۷). دیدگاه کرامت انسانی امام صدر به گونه‌ای بود که ادیان را در خدمت به انسان می‌دانست (صدر، ۱۳۹۷، صص ۱۳-۲۴).

نتیجه‌گیری

با عنایت به منظومه فکری امام صدر و توجه به کنشگری‌اش در عرصه‌های گوناگون، وی واجد سرمایه اجتماعی مثبت و گسترده‌ای شد که به‌عنوان الگو، قابل تأسی است. نتایج مقاله را می‌توان در موارد ذیل بیان کرد:

۱. امام موسی صدر که نماینده تفکر دینی به شمار می‌رود، به‌مثابه پیامبران در جایگاه مرجعیت اجتماعی قرار دارد. وی با توجه به دیدگاه وسیع و جامع و شخصیت کاریزمایی خویش که واجد سرمایه معنوی است، توانست در همگرایی، تعامل و ایجاد رابطه با همه افراد، گروه‌ها، طوایف و صاحبان ادیان و مذاهب، واجد سرمایه اجتماعی گسترده‌ای در عرصه‌های درون‌گروهی، بین‌گروهی، برون‌گروهی و فراگروهی شود که وجه مثبت سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردد.

۲. امام صدر با کنشگری خویش در جهت هویت‌بخشی و عزت‌بخشی تاریخی به طایفه شیعه لبنان و برقراری اتحاد و انسجام بین آنان و تشکیل مجلس اعلای شیعیان و توجه به شئون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شیعیان به ایجاد سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و افزایش آن مبادرت ورزید.

۳. امام موسی صدر با نگاه همگرایی و تقریب مذاهب اسلامی به‌ویژه اهل سنت و تشیع زیر لوای قرآن و با طرح شعار «گفت‌وگو، تفاهم و همزیستی» در صدد برقراری همکاری صمیمانه با اهل سنت برآمد. کنشگری وی در سفر به کشورهای اسلامی و دیدار با بزرگان اهل سنت و رئیس دانشگاه الازهر مصر و همفکری آنان نمود و ظهور پیدا می‌کرد. تلاش برای اتحاد شعائر، یکپارچه‌سازی اعیاد و مناسبت‌های اسلامی به تقویت و افزایش سرمایه اجتماعی بین‌گروهی منجر می‌شد.

۴. دیدگاه همگرایی امام صدر در مرحله‌ای گسترده‌تر باب گفت‌وگو و همکاری را با ادیان به‌ویژه اسلام و مسیحیت فراهم ساخت. در این مرحله با کنشگری امام موسی صدر در حضور گسترده در کلیساها، دیرها و مجامع دینی و فرهنگی مسیحیان مواجهیم که به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و افزایش آن منجر گردید. نمونه بارز چنین کنشگری‌ای را در دیدار با پاپ، ماجرای بستنی فروش مسیحی و سخنرانی تاریخی در دیرالمخلص و ایراد خطبه در کلیسای کبوشین شاهد هستیم.

۵. امام صدر با بسط میدان کنش با توجه به نگاه کرامت ذاتی انسان و دیدگاه شمول‌گرایی‌اش، خدمت به همه محرومان را سرلوحه کنشگری‌اش قرار می‌دهد. همگرایی بین همه افراد، گروه‌ها و طوایف لبنان و در نگاهی گسترده که ادیان را در خدمت انسان می‌داند، موجب ایجاد سرمایه اجتماعی فراگروهی و افزایش آن گردیده است.

۶. کنشگری امام صدر را باید در منظومه فکری وی و پیوندش در رابطه نظریه با عمل دید؛ رابطه‌ای که منجر به پیوند ساختارهای ذهنی و عینی می‌شود. کنش‌های امام صدر مبتنی بر نگاه همگرایی و تقریب، تساهل و تسامح و رواداری بر مبنای کرامت انسان، پابندی به گفت‌وگو، تفاهم و تعامل در عرصه‌های گوناگون، جایگاه مرکزی انسان و توجه به آزادی انسان معنا پیدا می‌کند و زمینه کارگشایی و توسعه پایدار را فراهم می‌سازد.

۷. علاوه بر کنشگری اجتماعی امام صدر، کنشگری سیاسی وی بر مبنای تعامل شیعیان با کشورهای دنیا در بستر دوستی و براساس همکاری سازنده و تنش‌زدایی بود، نه بر مبنای تقابل، تنش‌زایی و دشمن‌سازی.

۸. با وجود مشکلات اساسی و بحران‌های موجود در جوامع به‌ویژه جوامع دینی و اسلامی، نیاز به الگویی جامع وجود دارد تا با تأسی از کنش‌های وی بتوان بر مشکلات و بحران‌ها فائق آمد که این امر در وجود امام صدر و کنش‌های وی وجود دارد. وی قابلیت آن را پیدا کرد تا در جایگاه گروه مرجع به‌عنوان الگو مطرح گردد و با نگاه انسانی خویش و تلفیق نظر و عمل، کنشگر فعال و قابل در عرصه‌های گوناگون گردد. در جوامع بحران‌زده کنونی به‌ویژه جهان اسلام نیاز به همگرایی گسترده وجود دارد که نمونه بارز آن در کنشگری امام صدر وجود دارد که واجد سرمایه اجتماعی مثبت و فراگروهی است.

فهرست منابع

۱. باکاک، رابرت. (۱۳۸۱). مصرف (مترجم: خسرو صبری). تهران: شیرازه.
۲. بوردیو، پیر. (۱۳۸۰). نظریه کنش دلایل عملی و انتخاب عقلانی (مترجم: مرتضی مردیها). تهران: نقش و نگار.
۳. تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه (مترجم: افشین خاکباز و حسن پویان). تهران: شیرازه.
۴. جلالی پور، حمیدرضا؛ محمدی، جمال. (۱۳۹۴). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی. تهران: نشر نی.
۵. جمشیدیها، غلامرضا؛ پرستش، شهرام. (۱۳۸۶). دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پیر بوردیو. مجله نامه اجتماعی، شماره (۳۰)، صص ۱-۳۲.
۶. جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۵). پیر بوردیو (مترجم: جوافشانی و حسن چاوشیان). تهران: نشر نی.
۷. دادگر، یدالله؛ نظریور، محمدنقی و منتظری مقدم، مصطفی. (۱۳۹۴). سرمایه اجتماعی، اسلام و توسعه اقتصادی. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۸. ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر (مترجم: محسن ثلاثی). تهران: علمی.
۹. شجاعی باغینی، محمد مهدی؛ مهرمنش، آرش و انصاری، رضا. (۱۳۸۷). مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۰. شویره، کریستی ین؛ فونتن، الویه. (۱۳۸۵). واژگان بوردیو (مترجم: مرتضی کتبی). تهران: نشر نی.
۱۱. صالحی امیری، سیدرضا؛ کاووسی، اسماعیل. (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۲. صدر، موسی. (۱۳۸۳). نای و ونی. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

۱۳. صدر، موسی. (۱۳۹۷). ادیان در خدمت انسان (مترجم: گروه مترجمان. ویراستار: مهدی فرخیان). تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۱۴. ضاهر، یعقوب. (۱۳۹۶). گام به گام با امام. (ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷ و ۱۲). مجموعه گفتارها و مصاحبه‌ها و مقالات سید موسی صدر (مترجم: گروه مترجمان مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر). تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۱۵. ضاهر، یعقوب. (۲۰۰۰م). مؤسسه مسیره الامام السید موسی الصدر (ج ۲). بیروت: حرکت آمل.
۱۶. طباطبایی، صادق. (۱۳۸۸). خاطرات سیاسی اجتماعی (ج ۲). لبنان. امام صدر و انقلاب فلسطین. تهران: عروج.
۱۷. علینی، محمد. (۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی. قم: بوستان کتاب.
۱۸. فاین، بن. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی: اقتصاد سیاسی و دانش اجتماعی در طلیعه هزاره سوم (مترجم: محمد کمال سروریان). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۹. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۴). پیر بوردیو: پرسمان دانش و روشنگری. مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، (۱)۲. صص ۱۴۱-۱۶۱.
۲۰. فیلد، جان. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی (مترجم: غلامرضا غفاری و حسین رضائی). تهران: کویر.
۲۱. کمالیان، محسن؛ رنجبر کرمانی، علی اکبر. (۱۳۹۹). عزت شیعه دفتر اول. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر؛ قم: راز نی.
۲۲. گرنفل، مایکل. (۱۳۸۹). مفاهیم کلیدی پیر بوردیو (مترجم: محمدمهدی لیبی). تهران: افکار.
23. Bourdieu, Pierre. (1993). *The Field of Cultural Production*, Polity Press.
24. Bourdieu, Pierre. (1996). *The Rule of Art: Genesis & Structure of the Literary Field*, Translated by Susan Emanuel, Polity Press.
25. Bourdieu, Pierre & Darbel, Alain. (1997). *The love of Art*, Polity Press.
26. Bourdieu, Pierre & Wacquant, Logic. (2002). *An Invitation to Reflexive Sociology*, Polity Press.

27. Calhoun, Carig (edi). (1995). *Bourdieu: Critical Perspectives*, Polity Press.
28. Griller, Robin. (1996). The Return of the Subject? The methodology of Pierre Bourdieu, in: *Critical Sociology*, Vol 22, no 1, 1966.
29. Featherstone, M. (1987). Lifestyles and Consumer Culture”, *Theory, Culture and Society*, 4, pp. 55-70
30. Fowler, Bridget. (1998). *Pierre Bourdieu & Cultural Theory*, SAGE Publications.
31. Martin, John Levi. (2003). *What Is Field Theory?*, A J S. Volume 109, Number 1 (July 2003): P1-49.
32. Parker, John. (2000) *Structuration*, Buckingham, Philadelphia, Open University Press.
33. Pinto, Louis. (1996). *The Theory of Field & Sociology of Literature: Reflections on the Work of Pierre Bourdieu*, in *International Journal of Contemporary Sociology*, Vol 32, No 2, pp. 177–186.
34. Swartz, David. (1997). *Culture & Power: The Sociology of Pierre Bourdieu*, The University of Chicago Press.
35. Webb, Jen. (2002) *Understanding Bourdieu*, SAGE Publications.

References

1. Bocoock, R. (1381 AP). *Consumption* (Kh. Sabri, Trans.). Tehran: Shirazeh. [In Persian]
2. Bourdieu, P. (1380 AP). *Theory of action, practical reasons and rational choice* (M. Mardiha, Trans.). Tehran: Naqsh va Negar. [In Persian]
3. Bourdieu, P. (1993). *The Field of Cultural Production*. Cambridge: Polity Press.
4. Bourdieu, P. (1996). *The Rule of Art: Genesis & Structure of the Literary Field* (S. Emanuel, Trans.). Cambridge: Polity Press.
5. Bourdieu, P., & Darbel, A. (1997). *The love of Art*. Cambridge: Polity Press.
6. Bourdieu, P., & Wacquant, L. (2002). *An Invitation to Reflexive Sociology*. Cambridge: Polity Press.
7. Calhoun, C. (1995). *Bourdieu: Critical Perspectives*. Cambridge: Polity Press.
8. Dadgar, Y., Nazarpour, M. N. & Montazeri Moqaddam, M. (1394 AP). *Social capital, Islam and Economic Development*. Tehran: Higher Institute of Management and Planning Education and Research. [In Persian]
9. Elini, M (1391 AP). *Social capital in Islamic teachings*. Qom: Bustaneketab. [In Persian]
10. Fokuhi, N. (1384 AP). *Pierre Bourdieu: The Question of Knowledge and Enlightenment*. *Social Sciences*, 2(1), pp. 141-161. [In Persian]
11. Featherstone, M (1987). *Lifestyles and Consumer Culture*. *Theory, Culture and Society*, 4(1), pp. 55-70.
12. Field, J. (1386 AP). *Social Capital* (Gh. R. Ghaffari & H. Ramezani, Trans.). Tehran: Kavir. [In Persian]
13. Fine, Ben. (1385 AP). *Social capital versus social theory: political economy and social science at the turn of the millennium* (S. M. K. Sarvarian). Tehran: Research Institute for Strategic Studies. [In Persian]
14. Fowler, B. (1997). *Situating bourdieu: cultural theory and sociological perspective*. In *Pierre bourdieu and cultural theory: Critical investigations* (pp. 14-42). SAGE Publications Ltd, <https://www.doi.org/10.4135/9781446250464.n2>.

15. Grenfell, M. (1389 AP). *Pierre Bourdieu: key concepts* (M. M. Labibi, Trans.). Tehran: Afkar. [In Persian]
16. Griller, R. (1996). The Return of the Subject? The methodology of Pierre Bourdieu. *Critical Sociology*, 22(1), pp. 3-28.
17. Jalalipour, H. R., & Mohammadi, J. (1394 AP). *Recent Sociological Theories*. Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]
18. Jamshidiha, Gh. R., Parastesh, Sh. (1386 AP). The dialectic of origin and field in Pierre Bourdieu's theory of action. *Social Sciences Letter*, 30(1677), pp. 1-32. [In Persian]
19. Jenkins, R. (1385 AP). *Pierre Bourdieu* (L. Joafshani & H. Chavoshian, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]
20. Kamalian, M., Ranjbar Kermani, A. A. (1399 AP). *Shiite honor*. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]
21. Martin, J. L. (2003). *What is field theory?* American Journal of Sociology, 109(1), pp. 1-49.
22. Parker, J. (2000) *Structuration*, Buckingham, Philadelphia, Open University Press.
23. Pinto, L. (1996). The theory of fields and the sociology of literature: Reflections on the work of Pierre Bourdieu. *International Journal of Contemporary Sociology*, (33), pp. 171-186.
24. Ritzer, G. (1374 AP). *Sociological theory in the contemporary era* (M. Thalasi, Trans.). Tehran: Elmi. [In Persian]
25. Sadr, M. (1383 AP). *Nay wa Ney*. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]
26. Sadr, M. (1397 AP). *Religions in the service of man* (M. Farrokhian, Ed., Group of Translators, Trans.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]
27. Salehi Amiri, Seyed Reza; Kavousi, Ismail. (1387 AP). *Social capital*. Tehran: Expediency Council. [In Persian]
28. Shoireh, Christy Yen; Fontaine, Olivier. (1385 AP). *Bourdieu's words* (M. Katbi, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]

29. Shojaei Baghini, M. M., Mehrmanesh, A., & Ansari, R. (1387 AP). *Conceptual foundations of social capital*. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. [In Persian]
30. Swartz, D. (1997). *Culture & Power: The Sociology of Pierre Bourdieu*. Chicago: The University of Chicago Press.
31. Tabatabaei, S. (1388 AP). *Socio-political memoirs* (Vol. 2, Lebanon: Imam Sadr and the Palestinian Revolution). Tehran: 'Orouj. [In Persian]
32. Tajbakhsh, K. (1384 AP). *Social Capital: Trust, Democracy and Development* (A. Khakbaz & H. Pouyan, Trans.). Tehran: Shirazeh. [In Persian]
33. Webb, J. (2002). *Understanding Bourdieu*. SAGE Publications Ltd.
34. Zaher, Y. (1396 AP). *Step by step with the Imam* (Vols, 1, 2, 3, 4, 5, 7, 12, Translator Group of Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, Trans.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]
35. Zaher, Y. (2000). *Imam al-Sayyid Musa al-Sadr Route Institute* (Vol. 2). Beirut: Amal Movement. [In Persian]